

هو الله

تبریز

جناب آقا میرزا حیدر علی اسکوئی علیه بهاء الله

هو الله

نامه آن جناب رسید و بر تفصیل آگاهی حاصل شد فی الحقیقه چنین است که مرقوم نمودید امیدواریم که بعون و عنایت الهیه شهریار عادل پادشاه باذل در جمیع امور موفق و مؤید گردند و سبب راحت و آسایش رعیت شوند تا سرایده عزت دیرین ایران در قطب امکان بلند شود و سلطنت اعلیحضرت تاجداری پایه و رتبه پیشین را حاصل کند اگر چنانچه رعایت بیچارگان و حمایت ستمدیدگان چنانکه باید و شاید در سایه حمایت مجری گردد البته دلبر آمال ایرانیان جلوه کند و پرتو اقبال آن دولت ابدمدت بر خاور و باختر بتابد از قرار مسموع بیخردان و نادانان در آن صفحات بسیار حرکات مغرورانه نموده بودند سبحان الله این بی فکران چنان گمان کنند که اگر در نفوذ حکومت فتوری حاصل شود از برای آنان ثمری دارد هیئات هیئات بلکه آنان بکلی در مغرب نیستی متواری گردند هر چه نفوذ دولت بیشتر است ملت قدم بیشتر نهد و در مراتب مدنیّت و سعادت و راحت و عزت بیشتر ترقی نمایند الحمد لله که خداوند عالمیان ظاهر و عیان فرمود که خیرخواه کیست و بدخواه که صادق ظاهر شد و خائن آشکار گشت در زمان سلطنت خاقان مغفور فتحعلی شاه مرحوم چون قوشون روس از رود ارس گذشت اول خائن سید فتاح مجتهد غیر علیم بود که دروازه تبریز باز کرد و سپاه روس را پیشواز نمود و چنان ولوله و اضطراب در شهر انداخت که عموم اهل تبریز خائف و هراسان شدند و بزرگان فرار نموده بی سر و سامان شدند و چون صلح و آشتی شد پناه به روس برد و عاقبت خدا او را مأیوس نمود خدا نکرده اگر در سلطنت لا سمح الله فتوری حاصل شود جمیع اهالی ایران ذلیل و اسیر و حقیر گردند و این باندرک ملاحظهئی مشهود و عیان گردد و علیک التّحیّة و الثّناء ع